

نقاشی با دستان بسته

نقاشی از روایت درونی انسان‌ها می‌گوید این قلم موسست که حرف دل را به گونه‌ای دیگر بیان می‌کند و رنگ‌ها از سر درون هنرمند سخن می‌گویند نقاشی یکی از زیباترین هنرهاست به سراغ برجسته‌ترین هنرمند نقاشی آمده ایم که با محدودیت‌ها و توان‌یابی فراوانش با دست‌های بسته هنرنمایی می‌کند و اراده فولادینش راه را هموار و هنرش را نمایان تر کرده آرش رزقی بارز نمونه موفق یک هنرمند ایرانی در سطح جهانی است به همین منظور گفتگویی صورت دادیم با آرش رزقی بارز خواندنی بیشتر بدانیم:

کمی از خودتان بگویید؟

آرش رزقی بارز هشتم در سال ۱۳۷۲ بر اثر یک اتفاق از ناحیه گردن دچار آسیب نخاعی شدم و مهره‌های C4 - C5 - C6 از ستون فقرات گردنم دچار شکستگی شد. این اتفاق باعث شد که توانایی حرکتی‌ام از شانه به پایین دچار مشکل شود، از این رو تا کنون برای انجام طراحی و نقاشی، قلم را توسط ابزارهایی که طراحی آنها منحصر به فرد است، به دستم می‌بندم. این ابزارها توسط خودم طراحی شده و تا کنون در دنیا نظیری برای آنها نیست و در صدد ثبت این وسیله به عنوان وسیله کمک‌درمانی برای افراد دارای معلولیت و استفاده همگانی می‌باشم.

رشته تمصیلی شما و ارتباط آن با هنرتان؟

دیپلم تجربی هشتم چون زمانی که دبیرستان بودم به توصیه پدر و مادرم در این رشته مشغول تحصیل شدم ولی خودم علاقه شدیدی به رشته هنر و نقاشی داشتم در این میان والدینم دوست داشتند پزشکی شوم. ولی بعد از چند سال متوجه شدند که من علاقه بیشتری به نقاشی دارم تا پزشکی قصد داشتم تغییر رشته بدهم ولی نشد تصمیم گرفتم دانشگاه رشته نقاشی شرکت کنم و سال ۱۳۶۹ نفر نوزدهم رشته نقاشی ایران شدم و آن سال توانستم دیپلم بگیرم. به ناچار به خدمت سربازی رفتم. ۱۱ ماه از خدمتم می‌گذشت که این اتفاق برایم افتاد. بعد از آن که دیپلم گرفتم و شرایط طوری شد که در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی به من اجازه دادند که با همان قبولی گذشته وارد دانشگاه شوم و ادامه تحصیل دهم. ولی دور بودن مسافت و مناسب نبودن محیط برای ترددم باعث شد منصرف شده و ادامه تحصیل ندهم.

به نظر من داشتن مدرک تحصیلی به تنهایی مهم نیست. بسیاری از کسانی که در زمینه‌های مختلف تحصیل کرده‌اند اما به واقع صلاحیت و تجربه کافی در آن زمینه‌ها را ندارند. من به عنوان یک هنرمند هیچگاه از یادگیری و مطالعه

در زمینه حرفه خودم دست برداشتم و از هر کجایی که بشود چیزی آموخت، حتا شاگردانم، می‌آموزم و همیشه خودم را یک هنرجو می‌بینم.

این حادثه چه تاثیری بر روحیه شما داشت؟

من خوشبختانه دچار ناراحتی نشدم. این برای خودم هم جای سوال است. ولی عوامل زیادی درافسوده نشدنم دخیل بود. یکی از دلایل عمده این بود که خیلی زود من در بیمارستان دچار عفونت ریوی شدم و سه بار مرگ را تجربه کردم وقتی تا نصف راه می‌روی و بر می‌گردی باعث می‌شود محکم تر شوید. من متوجه شدم زمان زندگی کوتاه است و مرگ به ما نزدیک در صورتی که دور به نظر می‌آید و این



باعث می‌شود انسان برای هر لحظه از زندگی نگرش تازه‌ای داشته و بخواهد فعالیت کند.

چه مدت طول کشید که به زندگی عادی

برگشتید و کار مورد علاقه‌تان را شروع کردید؟

دو ماه در بیمارستان بودم تحویل سال ۱۳۷۱ به منزل آمدم. خانواده کم جمعیتی هستیم. به قول پدرم این حادثه مثل یک سونامی بود و خیلی لطمه خوردیم. والدینم بیشتر از من لطمه خوردند. نهایتاً دو ماه بعد از آمدنم به منزل کلاس را راه انداختم و آن زمان هنوز خودم نمی‌توانستم درست نقاشی بکشم باید مداد را به دستم می‌بستم با چسب یا باند به هر طریقی که می‌شد خط خطی می‌کردم به کمک یکی از دوستانم که با هم کلاس نقاشی می‌رفتیم کم‌کم راه افتادم دوستم عملی درس می‌داد من هم تئوری راهنمایی می‌کردم.



کار شما با شرایطی که داشتید چه زمانی

حرفه ای شد؟

کسانی که با آموزش سروکار دارن متوجه می شوند که کسی که خودش آموزش می دهد اول باید خودش مسلط باشد بنابراین همین که کلاس را شروع کردم انگیزه بزرگی بود برای اینکه دوباره مهارتم را بازیابم و شروع این کلاس شروع باز توانی من بود. شانس بزرگ من آشنایی با خانم دکتر میر فتح بود ایشان کمک خیلی بزرگی برایم بود. در غیر آن صورت زندگی من شکل فعلی را نداشت آن زمان به سختی میتوانستم روی ویلچرم بنشینم حتما باید روی تخت دراز می کشیدم و حتی نمی توانستم ویلچرم را به اندازه سانتی متری حرکت بدهم راهنمایی های خانم دکتر و آموزش های که می دادند، باعث شد که یاد بگیرم چطور با مشکلات روز مره روبه رو شوم. و در همان

دستهای من چه توانایی های و قابلیت های داشته در مقایسه الانم با گذشته اصلا راضی نیستم با همه اینها ممکن است کسی باشد که روحیه خود را از دست بدهد ولی من همیشه امیدوارم.

چه عاملی می تواند در رویه و پیشرفت

شما تاثیر گذار باشد؟

مهمترین چیز علاقه است کسانی که کار هنری انجام می دهند و یا در این زمینه کار می کنند به لذت عمیقی می رسند که قابل مقایسه با هیچ چیز دیگری نیست.

بسیاری معتقدند که وقتی عضوی از بدن

دچار نقص می شود عضو های دیگر قوی تر

می شوند؟

از همان روز های اول اتفاقاتی بوده که غیر ارادی انجام شده و واکنشی که به طور اتوماتیک بدن ما نشان داده و می خواهد آن نقص

هشتمین سال برگزاری ۲۰۰۳ و ۲۰۱۱ در این مسابقات شرکت داشته اند و من بعد از گذراندن مسابقات داخلی به عنوان نفر اول و برتر به عنوان نماینده ایران انتخاب شده و در ششمین دوره نفر هشتم و در هشتمین دوره موفق به کسب مدال برنز و مقام سوم جهان شدم.

مشارکت اینجانب در زمینه کار هنری ام در سطح حرفه ای در قالب برگزاری بیش از ۳۰ نمایشگاه گروهی و ۷ نمایشگاه انفرادی رسمی و غیر رسمی در گالری ها و فرهنگسراهای مختلف، و خلق حدود ۶۰۰ اثر هنری در ۲۱ سال اخیر فعالیت هنری - داشتن مصاحبه های مطبوعاتی در روزنامه ها و مجلات اجتماعی - هنری کثیرالانتشار - پخش گزارش های تلویزیونی در بخش اخبار فرهنگی هنری در شبکه های ملی سراسری شکل گرفته است.

و اما برنامه های آتی؟

من همیشه نقاشی می کنم.

از منظر مناسب سازی شهر و منزلتان با چه

مشکلاتی روبه رو هستید؟

یکی از بزرگترین معضلات جد اول خیابان و محل عبور است و دیگری سوار ماشین شدن، به دلیل شرایطی که داریم حتما باید سوار ون شویم. در منزل خودم همه موانع را از بین بردم برای من هر مانعی حتی به ضخامت یک فرش هم می تواند مانع حساب شود.

سفن آفر؟

به عنوان سخن آخر می خواهم بگویم که هنر نقاشی برایم وسیله و مجالی ست که بتوانم برداشتها، نگرشها و احساساتم را به بیننده برسانم و از این طریق حرف دلم و ناگفتنی هایی که در قالب کلام نمی گنجند را به گوش دل بینندگان آثارم برسانم. این رسالتی است که بر دوش خودم حس می کنم و چه توان یاب و چه سلامت می بودم این راه را انتخاب می کردم اما حالا که با شرایط فعلی نقاشی می کنم، تصورم این است که باید تاثیر بیشتری بر جامعه، افراد سالم و توان یاب گذاشته باشم. برای خوب زندگی کردن باید عشق داشت، ایمان داشت و برایش تلاش کرد. در زندگی احساس مسئولیت نمود تا به نتیجه دلخواه رسید.



سال اول من تکلیفم رو با خودم روشن کردم که می خواهم چکار کنم با یک تعداد نقاشی که با گچ و پاستل کشیده بودم، مجموعه ای ترتیب دادم و اولین نمایشگاه خودم را در تابستان سال ۱۳۷۲ برگزار کردم.

شما با چه تکنیک های کار می کنید از اول تا

الان؟

بنده با وسایل مختلفی مانند گچ پاستل، آبرنگ، مداد رنگی، رنگ روغن، کلاژ و غیره می توانم نقاشی کنم.

به نظر شما قبل از معلولیت آگه می

خواستید نقاشی کنید تا چه اندازه

پیشرفت می کردید؟

اگر بخوام صادقانه بگویم نمی شود تصور کرد اینکه الان تازه می خواستم شروع کنم خیلی سخت است ولی هنوزم وقتی فکر می کنم

را جبران کند و من هم در همان ماه های اول حافظه ام به شدت قوی شد شنوایی و بویایی ام نسبت به گذشته خیلی حساس تر شده بود.

از عناوین مسابقاتی هم بگویید؟

نمایشگاه و مسابقات زیادی بوده، در مسابقات داخلی سپاه نفر اول شدم که بازتاب زیادی نداشت، اولین مسابقات مقدماتی از طریق رعد اول شدم، در مسابقات هند نفر هشتم شدم. سال ۱۳۸۷ کمیته المپیک و پارالمپیک مسابقه هایی تشکیل داده بود به نام هنر، پهلوانی، المپیک که من در این مسابقات دو اثر شرکت دادم. یک اثر در پارالمپیک اول شد یک اثر در پهلوانی اثر بر گزیده انتخاب شد، از طریق انجمن باور و رعد به سئول رفتیم و نفر اول ایران و نفر سوم جهان شدم. تاکنون نمایندگان کشور ایران در ششمین و